ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
زندگی سلام
•یک شنبه•۱۲ اسفند ۱۳۹۷•شماره ۱۲۷۴

حدیث روز

پیامبر اکرم(ص): نگریستن به چهره عالم از سر مِهر، عبادت است.

النوادر

ذکر روز یک شنبه

صد مرتبه «یا ذاالجلال و الاکرام»

در محضر بزرگان

انسان چند نوع حرکت دارد؟

علامه محمدرضا حکیمی می فرمایند:

انسان در زندگی می تواند دارای دو گونه حرکت باشد: حرکت وضعی و حرکت انتقالی. در حرکت وضعی، انسان مانند دیگر جانوران زندگی می کند و حاصل زندگی او، خور و خواب و خشم و شهوت است، با مقداری رشد جسمی و بهره وری های رفاهی. لیکن انسان، در حرکت انتقالی، جاعوض می کند و به پیش می رود و از محدوده طبیعت به نامحدود ماورای طبیعت می رسد و از ملک پران می شود.

برگرفته از «مرام جاودانه»

حکایت

منت خلق

درویشی را پرسیدند که راحت دنیا در چه دانی؟ گفت در دو چیز، اول توشه ای که از زحمت حلقم باز دارد و دوم گوشه ای که از زحمت خلقم بی نیاز آرد. گفتند اگر در قبول یکی از این دو مختار شوی کدام یک اختیار کنی؟ گفت قبول گوشه کنم و ترک نوشه گویم، زیرا که زهر گرسنگی چشیدن اولی تر است از منت جماعت کشیدن.

در سرای خویشتن مردن ز جوع
به که سوی ناکسان کردن رجوع

برگرفته از «پریشان» قاآنی

بریده کتاب

هنر فاصله ها

فکر می کنم هنر اصلی، هنر فاصله ها باشد. زیاد نزدیک به هم می سوزیم، زیاد دور، یخ می زنیم!

«دیوانه وار»

اثر کریستین بوبن

قرار مدار

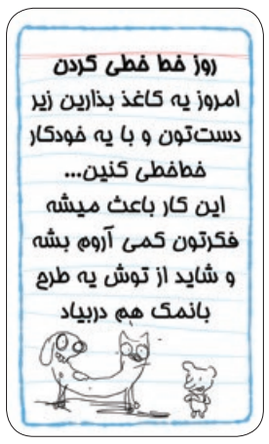

اندکی صبر

تکرار و تکرار

کامران رسول زاده

از تمام قطارهای جهان جامی مانم
من انگار برای همین
به این ایستگاه متروک آمده ام
که تکرار کنم
گریه های پشت رفتنت را...

همشهری سلام!
پذیرای داستانک، ترسانک، سوتی، شعر، طرح، عکس و ایده‌های بامزه و جالب شماست.
مطالب خود را در پیام‌رسان تلگرام به این شماره بفرستید:
۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

دنیا به روایت تصویر

آلامی | خط ۳ بعدی عابر پیاده، انگلستان

کاترز نیوز | خطای دید جالب!

تلگراف | زیبایی های دنیای زیر آب

پند نیکان

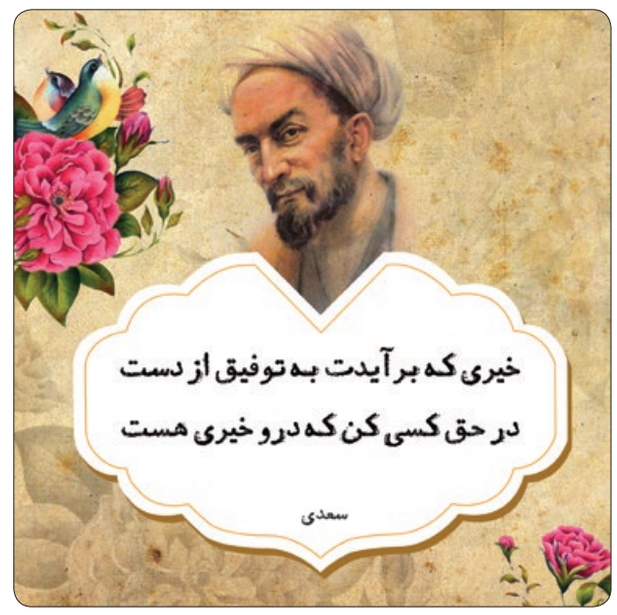

اف. سی. خانجون

قسمت چهاردهم

حرف زدن با سرعت نور

مهرشاد مرتضوی | اطنزپرداز

یه مدته ورزش های خشن و وحشیانه رو ول کردم، ولی اونا من رو ول نمی کنن. با دست و پای شکسته نشسته بودم تو پارک، داشتم واسه یه دختر نوجوون همسن و سال خودم که تازه دیده بودمش، وقایع زندگیم رو خیلی فشرده و سریع تعریف می کردم. رسیده بودم به اون جا که الان تازه ۴۰ سالمه، یهو یه آقایی پرید جلوم، گفت می تونم شماره تون رو داشته باشم؟ قاطی کردم، عصا رو برداشتم افتادم دنبالش. دادزدم: «خجالت بکش پسره بی ادب. اون زمان که بابات مهد کودک می رفت، من قصد ادامه تحصیل داشتم. الان که دیگه جای خود!» یهو متوجه شدم با این حرف، حرفی که داشتم به دختره می زدم رو لو دادم و سنم رو به اون ۳۵ سال پایین تر گفته بودم. خیلی طبیعی و با آرامش برگشتم نشستم سر جام و شروع کردم به عوض کردن حرف که اون یارو مزاحمه باز سر و کله ش پیدا شد. گفت: «خانم من قصد بدی نداشتم. فقط می خواستم شماره تون رو بگیرم که هر وقت گچ پاتون رو وا کردین یه پیشنهاد کاری بهتون بدم.» باز اومدم قاطی کنم و داد بزنم که پیشنهاد دادنت کم بود، حالا کاری هم اضافه شد؟! بعد فکر کردم تو این وضعیت بیکاری، همین هم غنیمته. خودم رو جمع کردم و شماره م رو دادم. تهش هم سرم رو انداختم پایین و گفتم: «لطفا فقط همراه با خانواده تماس بگیرین.»

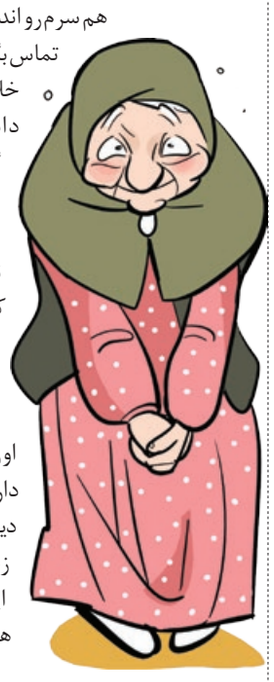

خلاصه گذشت و ما دست و پامون رو وا کردیم و تازه داشتیم بهبود می یافتیم! که یه شب ساعت ۱۰ گوشیم زنگ خورد. شماره ناشناس افتاده بود. برداشتم و گفتم: «اپه نیپه هنپم په؟» مردی که اون ور خط بود گفت بله؟ یادم اومد هیچ کس نمی تونه تو این وضعیت حرفم رو بفهمه. دست کردم تو لیوان بغل تختم و دندون مصنوعیم رو گذاشتم تو دهنم و گفتم: «خجالت نمی کشی این وقت شب به دختر مردم زنگ می زنی؟» آقاهه گفت: «ببخشید، می دونم دیر وقته. بابت اون پیشنهاد کاری مزاحم شدم. ما یه تیم ورزشی داریم و ورزش مون به نفس زیادی نیاز داره. اون روز دیدم شما بدون نفس گرفتن ۲۵ دقیقه یه بند حرف زدین، گفتم حتما مناسب کار ما هستین.» یه مقدار این دست و اون دست کردم و گفتم: «حالا چی هست ورزشتون؟» جواب داد: «کبدی!»

مسابقه چی شده؟

عمو جغد پادار!

سلام. این بار برای مسابقه یه عکس بانمک داریم که شما باید برای این عکس، یک شرح حال کوتاه یا دیالوگ بامزه بنویسید و تا ساعت ۲۴ فردا شب (دوشنبه) برای ما به پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ یا شماره ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶ در تلگرام بفرستید. حتما کلمه «چی شده؟» و نام و نام خانوادگی تون رو هم بنویسید. بانمک ترین و خلاقانه ترین پیام ها که اسم نویسنده دارن، روز چهارشنبه به اسم خودنویسنده ها چاپ می شه. همیشه خوش باشید.

و حالا چند نمونه:

*وقتی مامانت میگه حواست باشه بچه مهمون سمت ظرف آجیل نره!

*وقتی بابات رفته دستشویی و نیم ساعته پشت در منتظر موندی!

*نگران اینه که موش رو هم سهمیه بندی کنن!

تاپخند

- یکی از تفریحات عیدمون اینه که مامانم هر سال سبزه می کاره قبل عید، بعد سبزه خوب در نمیاد، چند ساعت مونده به سال تحویل می ریم می خریم!
- چند روز دیگه اینستاگرام تبدیل میشه به «اینستا اِیر» همه عکسِ پنجره هواپیما می گذارن و می نویسن «همیشه همه چیز آن قدر سریع اتفاق می افتد که فرصتِ خداحافظی باقی نمی ماند»!
- اگه هند و پاکستان وارد جنگ بشن قطعا هندی ها پیروز میشن، پاکستانی ها بمب اتم می اندازن هندی ها با چوب کریکت برمی گردونن!
- من از وقتی فهمیدم توی Word سه تا خط تیره رو بدون فاصله بزنی خودش تبدیل به یه خط میشه احساس می کنم کمک بزرگی به بشریت کردم که کشفش کردم!
- من همونم که یه روز می خواستم دریا بشم، ولی متاسفانه جوی آب سر کوچه مون هم نشدم!
- وقتی برای تبریک تولدم کامنت HBD می ذارید خیلی خوشحال میشم، احساس می کنم یکی از دانشمندهای ایرانی ناسا وسط تحقیقات مهمش اومده یه سر بهم تبریک گفته و رفته!
- با این وضعیت گرونی دیگه مغازه دارها از همین جنس واسه خواهر و مادر خودشون هم نمی برن که حداقل ما خیال مون از کیفیتش راحت باشه!
- هر چقدر از ضرب المثل «کار امروز را نینداز فردا» استقبال نشد، «خرید امروز را نینداز فردا» خیلی هواخواه داره!

دور دنیا

اعتیاد به بازی های اینترنتی

آدیتی سنترال- پسر ۱۳ ساله فیلیپینی آن قدر به بازی های اینترنتی اعتیاد دارد که حتی برای غذا خوردن هم دست از بازی نمی کشد. ویدئویی از مادر این پسر که با دست غذا در دهان او می گذارد تا از گرسنگی نمیرد، در اینترنت منتشر شده است که بحث اعتیاد فرزندان به بازی های اینترنتی را دوباره داغ کرده است. مادر این پسر بعد از ۴۸ ساعت که پسرش چشم از صفحه مانیتور برنداشته است، نگران او شده و برای غذا دادن به گیم نت رفته است.

پارو زدن تا محل کار

آدیتی سنترال- پسر ۲۹ ساله چینی که هر روز مجبور بود بیش از یک ساعت ترافیک سنگین شهر را تحمل کند تا به محل کارش برسد با یک ابتکار جدید این زمان را به ۶ دقیقه کاهش داد. او به جای استفاده از اتوبوس یا خودروی شخصی، هر روز در طول دریاچه کوچک کنار منزلش پارو می زند و تنها بعد از ۶ دقیقه به محل کارش می رسد.

دختر نوجوان، پیشرو در مبارزه با گرمایش زمین

بی بی سی- «گرتا تونبرگ» یک فعال ۱۶ ساله سوئدی در حوزه محیط زیست است که برای آگاه کردن جهانیان از مسئله تغییرات آب و هوایی به داووس رفت؛ جایی که مقامات ارشد سیاسی و مشهورترین افراد جهان برای شرکت در مجمع جهانی اقتصاد در آن جمع می شوند. او این مسیر را از کشورش به داووس در سوئیس با قطار رفت چرا که به اعتقاد او، قطار آلودگی کمتری از هواپیما دارد و به این ترتیب می تواند سهم خود را در حفاظت از زمین ادا کند. گرتا پیش از این هم در سازمان های بین المللی بررسی تغییرات آب و هوایی شرکت کرده و سخنرانی با قدرتی در این زمینه داشته است. این نوجوان که این روزها به عنوان رهبر مبارزه با گرمایش زمین شناخته می شود، در صفحه اینستاگرام خود در این حوزه به فعالیت می پردازد.

شعر طنز

نمی سازد!

امیرحسین خوش حال | شاعر و طنزپرداز

چایِ با هل؛ به ما نمی سازد
پدرم رفت خارج و جان داد
قایق آمد ز رویمان رد شد
گفت: «کی روش مربیِ خوبی ست»
دوربینم فرانسه قاطی کرد
مشورت دادم و شدش بدتر
گفت: «جانم؟» تمسخرش کردم
برّه را خوردم و شدم مسموم
تیله بازی برای ما خوب است
شامِ بیرون به او نمی سازد
«فردِ بی عشق مثلِ یک مرده است»
طعمِ فلفل؛ به ما نمی سازد
آن مسائل! به ما نمی سازد
خواب ساحل به ما نمی سازد
حرفِ «عادل» به ما نمی سازد
برجِ ایفل به ما نمی سازد
حلّ مشکل به ما نمی سازد
حرفِ خوشگل به ما نمی سازد
جز فلافل به ما نمی سازد
گلف و پازل به ما نمی سازد
شامِ منزل به ما نمی سازد
حرف «راسل» به ما... ساخت حسابی!

تفأل

ظل ممدود خم زلف توام بر سر باد
کاندر این سایه قرار دل شیدا باشد
چشمت از ناز به حافظ نکند میل آری
سرگرانی صفت نرگس رعنا باشد

دی روزنامه

رونمایی مشاغل جدید زندگی سلامی

علیرضا کاردار | اطنزپرداز

در حالی که از خوشی این خبر در پوست خود نمی گنجیدیم که «دوغ ایرانی به عنوان میراث فرهنگی غذا ثبت استاندارد جهانی شد» و به این می بالیدیم که با شروع فصل گرما به جای غذاهای گوشتی و مرغی و برنجی و ربی و کاهویی، می توانیم آبدوغ خیاری بخوریم که استاندارد جهانی دارد، خبر رسید آن تلاشگران هم میهن که دوغ نمی نوشند و در نتیجه خواب شان نمی آید و ایده های جدید به ذهن شان می رسد، شغل جدیدی ابداع کرده اند. همه منتظر بودیم که این شغل جدید مثلا در حوزه علم و فناوری و تبدیل مس به طلا یا حداقل نیکل به اسکناس باشد، یا در صنعت و هنر و چاپ سه بعدی مواد غذایی ارگانیک باشد، یا در حوزه های گردشگری و محیط زیست و باعث هجوم گردشگران خارجی با ارز به کشور باشد که با خبر شدیم نخیر، این شغل فراتر از این حرف هاست. دادستان کرج گفت: «برخی برای تأمین گوشت رستوران داران و مراکز طبخ غذا، در صف می ایستند.» یعنی پس از شغل «دویدن پشت ماشین در طرح ترافیک برای ثبت نشدن پلاک توسط دوربین پلیس»، این یکی جزو خلاقانه ترین شغل هاست که هم در زمینه غذایی است، هم اقتصادی، هم حوزه شهروندی، هم نوعی استارت آپ است و هم جنبه های دیگری دارد که هنوز کشف نشده است. برای این که ما هم سهم خودرا در اشتغال زایی ایفا کرده باشیم، چند شغل جدید را همین جا فی البداهه و فهرست وار خدمت تان معرفی می کنیم، باشد که این مشاغل ابداعی بتواند چند جوان بی کار را سر کار بگذارد.

نویسنده متن استعفا و بازگشت سر شغل با فونت خوانا در اینستاگرام! همچنین در همین زمینه: پاک کننده پست اینستاگرامی سلبریتی هایی که می خواهند درباره رفتار پلیس را هور افشاگری کنند ولی به ضرر خودشان می شود یا کلا مشاور سلبریتی ها برای این که از مضرات چه موادی بد بگویند و جایگزین چه موادی را برای مردم معرفی کنند تا کمتر کامنت منفی بگیرند! ریفرش کننده سایت خرید خودرو برای جا گرفتن در صف پیش خرید خودرو! پیدا کننده عدد جدیدی برای ساخت سامانه پیامکی «ستاره فلان عدد مربع» که تا حالا این عدد گرفته نشده باشد و تلویزیون بتواند اعلام کند تا بینندگان به آن عدد ۱ یا ۲ را بفرستند و ناخودآگاه هزینه برایشان حساب شود! آماده کننده روحی مردم برای روبه رویی با قیمت های روزانه، قبل از خروج از خانه و ورود به بازار تا جلوی بیماری های قلبی و روانی و عصبی را بگیرد! و در آخر مخفی کننده آجیل و کمک خانه تکان با انباشته زیر شلواری و زیرپیراهن بلا استفاده فراوان!

سوتی سرا

رازی که داماد نباید بفهمه!

یه آشنایی داریم، بنده خدا خیلی پیره. یه بار با دامادش رفته بود دکتر. دکتر بهش گفت: «حاج آقا شما هم قند داری، هم چربی...» یهو آشنای ما وسط حرف آقای دکتر پرید و گفت: «آقای دکتر یه چیزی میگم به دامادم نگی ها... تو خونه چند کیسه برنج هم دارم...»!

تصویر سازی ها: سعید مرادی

ما و شما

*بخش آموزش شعبده بازی خیلی جالب است. لطفا شعبده های سخت تر مثل از دیوار رد شدن و پرواز کردن و غیب شدن را هم آموزش بدهید.

*همسر عزیزم رقیه خانم و دختر گلم فائزه جان، روز زن و مادر را به شما تبریک عرض می کنم، امیدوارم سلامت و تندرست باشید. **غلامرضا فرامرزی**

*بهترین معلم زیست شناسی دنیا، سرکار خانم نودهی تولدتون مبارک، امیدواریم ۱۲۰ ساله بشین. **سراب، درگاهی، آموخته**

*در زمستان اگر ز من پرسی
نعمتی نیست بهتر از «کرسی»!

*پویا جان تولدت روز ۱۴ اسفند میمون و مبارک باد.

بابا مهدی و مامان زهرا و داداش مهرداد

*ترفندهای دوست داشتنی «زندگی سلام» عالی بود. خاطرات بچگی امز نده شد. خسته نباشید.

*آق کمال، وقت کردی از خاطرات سربازیت بیشتر برامون بنویس!

آق کمال: اوه! اوجوری باید هر روز یگ ستون بهم بدن که براتان بنویسم!